

دیدگاه

آسیب‌شناسی

ترکیب کمیسیون تلفیق

امید کریمیان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس از آنجا که کمیسیون تلفیق لایحه بودجه همچنین کمیسیون تلفیق برنامه‌های پنج‌ساله توسعه برای بررسی هم‌زمان متن ارسالی از دولت، دیدگاه‌های کمیسیون‌های تخصصی مجلس و پیشنهادهای انفرادی نمایندگان تشکیل می‌شود و به نوعی مهم‌ترین لوايح مالی کشور را چکش‌کاری می‌کند، در ادوار گذشته مجلس، آیین‌نامه داخلی مجلس مقرر کرده بود که همه اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس به‌عنوان کمیسیون اصلی بررسی‌کننده بودجه و برنامه عضو آن باشند و از هر کمیسیون تخصصی (به‌عنوان کمیسیون فرعی) هم دو نفر به عضویت کمیسیون تلفیق درآیند. اما به دنبال اعتراضی که اعضای کمیسیون‌های تخصصی مجلس به سهم‌شان داشتند سرانجام آیین‌نامه داخلی به‌نفع آنان اصلاح شد و از اسامال شاهدیم که کمیسیون تلفیق با حضور سه نماینده از هر کمیسیون تخصصی و ۹ نماینده نیز از کمیسیون برنامه و بودجه تشکیل شده است. با این حال هنوز ترکیب این کمیسیون همه نمایندگان را راضی نکرده است، هرچند طرح دو فوریتی برای بازگشت به حالت قبل نیز نتوانست رای اکثریت مجلس را به دست آورد. من با اینکه عضو کمیسیون اقتصادی مجلس هستم و علی‌القاعده انتظار می‌رود از افزایش سهم کمیسیون‌های تخصصی در کمیسیون تلفیق خوشحال باشم، متعقد آنچه اکنون مبنای عمل قرار گرفته است کمیسیون تلفیق را از حالت تخصصی خارج می‌کند و حتی می‌توان گفت اگر قرار باشد سهمیه‌ها (اعم از تعیین سهم براساس کمیسیون یا منطقه جغرافیایی یا...) در این کمیسیون حرف اول را بزنند، فلسفه وجودی آن که متوازن کردن بودجه و حاکمیت نگاهی تخصصی و ملی به آن است، از میان می‌رود. اگر قرار بود با انواع و اقسام سهمیه‌ها خاضیت اصلی این ساختار تخصصی را تضعیف کنیم، دیگر چه نیازی به تشکیل آن وجود داشت؟ در این صورت چرا باید چند هفته لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق روند تصویب را طی کند و معطل بماند؟ براساس چنین نگاهی، همان بهتر که لایحه بودجه در کمیسیون برنامه و بودجه بررسی شود و سایر کمیسیون‌ها و حتی نمایندگان پیشنهادهای خود را هنگام تصویب لایحه در صحن علنی مجلس اعلام کنند و درباره آنها رای‌گیری شود. واقعیت این است که برخی معترضان کمیسیون تلفیق که در پی افزایش تعداد اعضای آن یا تغییر ترکیبش هستند، تصور می‌کنند می‌توانند با عضویت در کمیسیون تلفیق، اعتبارات استانی را به نفع منطقه خود تغییر دهند، ولی کلیت این تصور اشتباه است. انکار نمی‌کنم که گاهی با رایزنی‌شناری از نمایندگان و نه یک نماینده به تنهایی، پیش آمده است که اعتبارات یک منطقه به نحوی دستکاری شود، اما معمولاً چنین اقدامی شناسایی و با اعتراض دیگر نمایندگان و روبرو می‌شود و درواقعیت حتی اگر در کمیسیون تلفیق تصحیح نشود، در صحن علنی مجلس که همه نمایندگان حضور دارند، پیشنهادهای مربوطحوزه انتخابیه از چشم‌ها دور نمی‌ماند و از رای لازم برای تصویب باز می‌ماند. در این میان از یک نکته تاسف‌برانگیز نیز نباید غافل ماند و آن هم چیزی نیست جز این واقعیت تلخ که گاهی اصرار برای حضور در کمیسیون تلفیق، ناشی از تلاش برای افزایش اعتبارات به بخش از دولت است. به عبارت دیگر، در این حالت مطالبات منطقه‌ای به‌طور مستقیم مطرح نیست، اما تلاش می‌شود تا اعتبارات یک وزارتخانه یا نهاد افزایش معناداری پیدا کند تا از این طریق امکان تصویب پروژه‌هایی بیشتر در حوزه‌ای خاص به‌وجود آید که به این ترتیب توازن مدنظر دولت میان دستگاه‌های اجرایی برهم می‌خورد.

آیا وزیر کشور باید انتصاب استانداران و فرمانداران را با مجلس هماهنگ کند؟

از تفکیک قوا تا تداخل صلاحیت‌ها

گروه سیاسی، عبدالرضا

رحمانی‌فضلی، وزیر اصولگرای دولت یازدهم، پس از پشت سر گذاشتن خوان معرفی معاون سیاسی وزارت کشور، این روزها باید خود را آماده پاسخگویی به پرسش‌ش شماری از نمایندگان مجلس درباره انتصابات فرمانداران، استانداران و بخشداران کند. دلیل حضور وزیر کشور مطابق آنچه در سوال ملی رضا صابری، نماینده آزادشهر و رامیان (استان گلستان) و عبدالوحید فیاضی نماینده نور و محمودآباد (استان مازندران) در جلسه علنی چهارشنبه ۲۴ دی‌ماه مجلس اعلام وصول شد «عدم تعامل وزارت کشور درباره علت عدم تعامل لازم در انتصابات استانداران و فرمانداران با نمایندگان مجلس شورای اسلامی» است.

طرح این‌ موضوع در حالی است که شماری از چهره‌های سیاسی غیراصولگرا اساساً قانونگذاران برای اینکه وظایف هر یک از قوای سه‌گانه را مشخص کنند، اصل تفکیک قوا را مطرح می‌کنند که این اصل در قانون اساسی هم به رسمیت شناخته شده است و مطابق آن، هر یک از قوای مقننه، مجریه و قضائیه شرح وظایفی مجزا را دیگری دارند که باید در همان حیطه به فعالیت بپردازند تا از تداخل در امور کشور و موازی‌کاری جلوگیری شود. اگر قرار باشد نهادهای تقنینی و قضایی در امور اجرایی دخالت‌کنند یا نهادهای اجرایی این نافعی وظایف مصرح در قانون اساسی و قوانین موضوعه است. البته تفکیک قوایی که در قانون اساسی ما پذیرفته شده است مطلق نیست بلکه هر یک از سه قوه در برابر دیگری وظایفی دارد و تا حدی نیز امکان نظارت با ابزارهای گوناگون وجود دارد. بدون شک دریافت نظر نمایندگان محترم برای هرچه بهتر شدن فرآیند اجرایی امر خوب و پسندیده‌ای به‌شمار می‌رود و طبیعی است که در همه دوره‌ها توصیه به این می‌شود که دولت‌ها با نمایندگان عالی دولت در استان‌ها و شهرستان‌ها با نمایندگان قوه قضیه و دولت‌های کارآمد مشورت داشته باشند و در انتصابات آنظر آنها بهره‌مند شوند، اما متأسفانه آنچه شاهدیم و منتقدان زیادی هم دارد، تسلیم شدن در

۳

بحث تفکیک قوا یکی از ابزارها و مفاهیم حقوقی معطوف به سرشکن کردن قدرت است و هدف از به کار بستن این ابزار، جلوگیری از تمرکز قدرت و سلطه یک قوه بر قوه دیگر است. به دیگر سخن می‌توان تفکیک قوا را یکی از ابزارهای بسیار کارآمد مشروطه‌کرد قدرت قلمداد کرد. به همین دلیل است که ما اساساً رویکردی که باید به تفکیک قوا داشته باشیم رویکرد تحدید قوا و قدرت است. از طریق تفکیک قوا ما در وهله نخست به تحدید قوا می‌پردازیم و از طریق تحدید قوا و ایجاد یک قدرت سیاسی معتدل، زمینه را برای تضمین حق‌ها و آزادی‌ها مهیا می‌کنیم؛ یعنی وقتی ما تفکیک قوا را در یک نظام پیاده می‌کنیم، درست است که در ظاهر قضیه، قدرت سرشکن می‌شود و سخنی از شهروند نمی‌رود؛ اما در باطن قضیه، قدرت ضعیف می‌شود و کمتر می‌تواند حقوق و آزادی‌های شهروندان را مورد تضییع قرار دهد.

تفکیک قوا انواع مختلفی دارد که ما می‌توانیم یکی از تقسیم‌بندی‌های آن را تفکیک کارکردی و تفکیک نهادی بدانیم. در تفکیک نهادی به یک تفکیک شکلی ارگانی بسنده می‌کنیم، در حالی که در تفکیک کارکردی آنچه اهمیت دارد، تفکیک صلاحیت‌هاست. اصل ۵۷ قانون اساسی که مساله تفکیک قوا را در جمهوری اسلامی مطرح می‌کند، می‌گوید قوای حاکم

(اعم از اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا)، از جمله جهانپخش خانجانی، سخنگوی وزارت کشور در دولت اصلاحات، از رحمانی‌فضلی به دلیل «تبعیت بیش از حد» از نمایندگان در انتصابات انتقاد می‌کنند. به گفته این دسته از منتقدان عملکرد وزارت کشور، شماری از نمایندگان با تحت فشار قرار دادن دولت عوامل خود را برای پست‌های دولتی به این وزارتخانه توصیه می‌کنند.

به هر رو رحمانی‌فضلی دومین وزیری است که به دلیل انتصابات مدیران میانی به مجلس احضار می‌شود، زیرا یکی از دلایل اصلی نمایندگان مجلس هنگام طرح استيضاح رضا فرجی‌دانا، وزیر پیشین علوم، تحقیقات و فناوری، انتصاب مدیران این وزارتخانه بود و اصرار فرجی‌دانا بر اینکه انتخاب همکارانش ازجمله اختیارات اوست، منجر به کناره‌گیری اجباری او از کابینه با رای عدم اعتماد نمایندگان در مرداد

استاساً قانونگذاران برای اینکه وظایف هر یک از قوای سه‌گانه را مشخص کنند، اصل تفکیک قوا را مطرح می‌کنند که این اصل در قانون اساسی هم به رسمیت شناخته شده است و مطابق آن، هر یک از قوای مقننه، مجریه و قضائیه شرح وظایفی مجزا را دیگری دارند که باید در همان حیطه به فعالیت بپردازند تا از تداخل در امور کشور و موازی‌کاری جلوگیری شود. اگر قرار باشد نهادهای تقنینی و قضایی در امور اجرایی دخالت‌کنند یا نهادهای اجرایی این ضعیف دولت است که چنین تبعیتی را روا می‌دارد. اساساً نمایندگان حق دخالت در امور اجرا را ندارند، بلکه آنها باید بر فرآیند انجام امور اجرایی نظارت و رسیدگی کنند، نه اینکه عوامل خودشان را برای پست‌های دولتی توصیه کنند. با یک پیمایش منطقه‌ای می‌توان فهمید چه تعداد از نمایندگان در انتصاب مدیران دخالت می‌کنند، افزون بر آن اخیراً

است که نمایندگان خودشان را در انتصابات محق بدانند که ما باید در اینکه چه کسی در کجا به کار گرفته شود، حق دخالت داشته باشیم. متأسفانه این رویه وجود دارد و من به ضرس قاطع می‌توانم بگویم که نمایندگان زیادی هستند که در انتصابات وزارت کشور اعم از بخشدار و فرماندار و روسای ادارات دخالت می‌کنند. این ضعیف دولت است که چنین تبعیتی را روا می‌دارد. اساساً نمایندگان حق دخالت در امور اجرا را ندارند، بلکه آنها باید بر فرآیند انجام امور اجرایی نظارت و رسیدگی کنند، نه اینکه عوامل خودشان را برای پست‌های دولتی توصیه کنند. با یک پیمایش منطقه‌ای می‌توان فهمید چه تعداد از نمایندگان در انتصاب مدیران دخالت می‌کنند، افزون بر آن اخیراً

تعاملی فراتر از قانون

امسال شد. هنوز مشخص نیست که رحمانی‌فضلی به این خواسته چگونه واکنش نشان خواهد داد؛ آیا به مصالحه تن می‌دهد یا بر اختیاراتش به‌عنوان وزیر پافشاری می‌کند. در این میان آنچه از موضع‌گیری حسینیعلی امیری، سخنگوی وزارت کشور برمی‌آید مسئولان این وزارتخانه موضوع سوال از رحمانی‌فضلی را وارد نمی‌دانند. امیری که سابقه عضویت در جمع حقوقدانان شورای نگهبان را در کارنامه دارد، در گفت‌وگو با فرهیختگان در این‌باره اظهار کرده است: «ما به نمایندگان مجلس احترام می‌گذاریم و حتماً سوال آنها از وزیر کشور از سر دلسوزی است، اما

از نظر حقوقی نمایندگان می‌توانند از وظایف سوال کنند نه از اختیارات.» او واکنش نشان خواهد داد؛ آیا به مصالحه تن می‌دهد یا بر اختیاراتش به‌عنوان وزیر پافشاری می‌کند. در این میان آنچه از موضع‌گیری حسینیعلی امیری، سخنگوی وزارت کشور برمی‌آید مسئولان این وزارتخانه موضوع سوال از رحمانی‌فضلی را وارد نمی‌دانند. امیری که سابقه عضویت در جمع حقوقدانان شورای نگهبان را در کارنامه دارد، در گفت‌وگو با فرهیختگان در این‌باره اظهار کرده است: «ما به نمایندگان مجلس احترام می‌گذاریم و حتماً سوال آنها از وزیر کشور از سر دلسوزی است، اما

اجرائی کشور می‌دانستیم و زیر بار آن نمی‌رفتیم. ما انتقادمان به وزارت کشور این است که در همین مقدار هم بیش از آنچه تعامل نام دارد، اقدام کرده‌اند. قانون برای نمایندگان در انتصاب مسئول اجرایی حقی قائل نشده است، بلکه آنان می‌توانند اگر نظر و پیشنهادی ندارد یا اگر خطری را شاهد دیده‌اند، آن را به مقام بالاتر یا حتی وزیر گوشزد کنند. مگر مسئولان اجرایی کشور حق دارند در مسائل قانونگذاری وارد وظایف نمایندگان شوند یا مگر نمایندگان حق دارند در امور قضایی وارد شوند؟ چرا این حق را تفکیک در انتصاب مدیران اجرایی در نظر گرفته نمی‌شود. اینکه نمایندہ‌ای از سر دلسوزی و برای تسهیل روند اجرایی نظر خود را طرح می‌کند مثبت است، خطی در آن حرف نماینده را برای خود قائل هستند که وزیر کشور، معاونان وزیر یا استانداران در انتصاب مسئولان اجرایی، باید حرف‌های نمایندگان را بپذیرند و اگر وزیر کشور کشور خنثی کرد و حرف نماینده را گوش نکرد با استفاده از ابزار خاص خود در مجلس، وزارتخانه را تحت فشار قرار می‌دهند. همچنین اصرار بر اعمال نظر در انتخاب مدیران اجرایی در این برهه می‌تواند شائبه ارتباط با انتخابات آینده را به‌وجود آورد که این اصلاً در شأن نمایندگان مجلس نیست که چنین حواشی‌ای را برای خود ایجاد کنند.

انجام نشود، ما همچنان می‌توانیم شاهد این مسائل باشیم. گرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابهاماتی را به تفکیک کارکردی قوا دارد، نمایندگان مجلس باید خودشان به فلسفه تفکیک قوا واقف و عالم باشند، یعنی یک نماینده آشنا به قانون اساسی و وفادار به مبانی دموکراسی خودش باید مقید به رفتار و چارچوب‌های صلاحیتی باشد و حتی اگر قانون هم به آن اجازه دهد، نباید عملاً در حوزه صلاحیت‌های اختصاصی دیگر قوا مداخله کند.

به‌عنوان مثال، روشن است که عزل و نصب یک مدیرکل یک عمل اجرایی است یا مثلاً عزل و نصب یک سفیر یا یک مدیر مدرسه با تعیین ساعات کاری نهادهای اداری جزء اعمال اجرایی هستند. گرچه عمومیت اصل ۱۷۱ قانون اساسی این اجازه را به نمایندگان مجلس می‌دهد که در همه امور به صورت عام قدرت تقنینی داشته باشند؛ اما منطق حقوقی به ما می‌فهماند که پارهای از امور به هیچ عنوان چهره تقنینی ندارد؛ یعنی در صلاحیت قوه مجریه قرار دارد. از این رو مداخله نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در این عرصه‌ها می‌تواند از مصادیق بارز تجاوزات قوا باشد و گرچه این نوع اختلاط مستمسک قانونی هم داشته باشد، از لحاظ میانی به نظر می‌رسد که چندان عمل شایسته‌ای نیست.

۱۲ عضو کابینه به مجلس می‌روند

نمایندگان مجلس که هفته آخر دی در حوزه‌های انتخابیه خود به سر می‌بردند، این هفته به بهارستان باز می‌گردند. حضور ۱۲ عضو کابینه در مجلس، بررسی تقاضای تحقیق و تفحص از وزارت امور اقتصادی و دارایی درباره عملکرد شرکت کارگزاری سهام عدالت و انتصابات هیات‌مدیره اتاق تعاون از مهم‌ترین برنامه‌های کمیسیون‌ها و صحن علنی مجلس در این هفته است. بررسی طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتصابات مجلس، بررسی طرح اصلاح موادی از قانون انتصابات مجلس و بررسی طرح اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان در دستور کار این هفته کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس قرار دارد.

تغییرات

طرح تبدیل کمیسیون اصل ۹۰

به دیوان در کمیسیون آیین‌نامه به تصویب رسیده است

مجلس به دنبال تقویت سازوکار رسیدگی به شکایات

محموده معظمی، محمدعلی پورمختار، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، هفته گذشته با اعلام اینکه احتمالاً تا پایان سال، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس، به دیوان اصل ۹۰ تغییر ماهیت خواهد داد، اظهار کرد که رئیس مجلس دستور پیگیری هرچه سریع‌تر طرح دیوان شدن این کمیسیون را صادر کرد است؛ بر این اساس، انتظار می‌رود این موضوع که در دستور کار کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس قرار دارد تا چند وقت دیگر در صحن علنی مجلس بررسی شود. او همچنین گفته است که سالانه حدود شش هزار شکایت از دستگاه‌های اجرایی و قوای سه‌گانه به کمیسیون اصل ۹۰ واصل می‌شود که بررسی و پیگیری این پرونده‌ها نیازمند سازمانی گسترده است و تشکیل دیوان در این حوزه می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد. بر اساس اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام کند و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.» مجلس شورای اسلامی برای ایفای این وظیفه که قانون اساسی برعهده‌اش گذاشته است، از نخستین دوره فعالیت، تشکیل کمیسیونی به همین نام را در آیین‌نامه داخلی مجلس گنجانده؛ اما از آنجا که این کمیسیون جزء کمیسیون‌های تخصصی مجلس به‌شمار نمی‌رود، در برخی از دوره‌های مجلس شاهد بی‌رغبتی نمایندگان به عضویت در آن بوده‌ایم. همچنین بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، اعضای این کمیسیون در کمیسیون تلفیق لایحه بودجه یا لایحه برنامه پنج‌ساله توسعه نمی‌توانند حضور داشته باشند؛ موضوعی که امسال تا تهدید به استعفای جمعی اعضای این کمیسیون پیش رفت.

دیوان اصل ۹۰ سرعت و کارایی بیشتری خواهد داشت

حسین آذین، سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، درباره علت در دستور کار قرار گرفتن طرح تبدیل کمیسیون اصل ۹۰ به دیوان به فرهیختگان گفت که به نظر او، با این تغییر ساختار کارایی اقداماتی که اکنون در قالب کمیسیون صورت می‌گیرد بیشتر می‌شود. نماینده رفسنجان و انار در مجلس یادآور شد که در صورت تحقق چنین ایده‌ای، همه نمایندگان می‌توانند بر دیوان اصل ۹۰ نظارت کنند، زیرا دیگر اعضای یک کمیسیون در این باره وظیفه نخواهند داشت. او تسریع در رسیدگی به شکایت‌های رسیده را در مقایسه با آنچه اکنون در کمیسیون اتفاق می‌افتد، از دیگر مزایای تبدیل آن به دیوان دانست. به گفته آذین، «رسیدگی به شکایات به نیروی انسانی‌ای فراتر از تعداد نمایندگان که معمولاً برای این کمیسیون در نظر گرفته می‌شود، نیاز دارد که این کمبود نیروی انسانی با تبدیل شدن به دیوان، همانند سازوکار دیوان محاسبات، رفع می‌شود. سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ با تأکید بر اینکه با این تغییر ساختار، دست مجلس برای رسیدگی به شکایت‌ها بازتر می‌شود، تأکید کرد: «قرار نیست چیزی از مجلس حذف شود، بلکه این تغییر امکان نظارتی پیش‌بینی‌شده در قالب اصل ۹۰ قانون اساسی را برای نمایندگان تسهیل می‌کند.» وی با بیان اینکه نظارت کاری تخصصی است و نیاز به نیروهای کارشناس و کاردان دارد، افزود: «در برخی مواقع کار بسیار حساس و تخصصی می‌شود که نیاز به تخصص‌های گوناگون دارد و چه‌بسا همه این تخصص‌ها در میان اعضای کمیسیون وجود نداشته باشد.» سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ درباره چگونگی انتخاب رئیس دیوان اصل ۹۰ در صورت تشکیل چنین دیوانی گفت: «رئیس دیوان اصل ۹۰ را مانند رئیس دیوان محاسبات، رئیس مجلس پیشنهاد می‌دهد و از صحن علنی رای اعتماد می‌گیرد.» او افزود: «از آنجا که هنوز سازوکار دیوان مشخص نشده است، نمی‌توان به‌طور قطع در مورد آن اظهارنظر کرد؛ اما حتی می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت تغییر کارکرد کمیسیون اصل ۹۰ به دیوان، دیگر نمی‌توان رئیس آن را از بین نمایندگان انتخاب کرد، چراکه دوشفله محسوب می‌شود.» سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ درباره زمان درنظر گرفته‌شده برای این تغییر نیز اظهار کرد: «البته بعید می‌دانم که تا قبل از پایان کار مجلس نهم این تغییر اعمال شود، ولی اگر عمر مجلس نهم به این تغییر کفاف داد، اعضای کمیسیون اصل ۹۰ در کمیسیون‌های دیگر عضو می‌شوند.»

دیوان اصل ۹۰ ضمانت اجرایی خواهد داشت

عزت‌الله یوسفیان‌ملا، رئیس کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس که ایده تشکیل دیوان اصل ۹۰ در کمیسیون متبوع وی در حال بررسی است، به فرهیختگان در این باره گفت: «تغییر کمیسیون اصل ۹۰ به دیوان اصل ۹۰ در کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس تصویب شده است.» نماینده آمل درباره علت موافقت نمایندگان با این ایده توضیح داد: «ما می‌خواهیم تصمیمات کمیسیون اصل ۹۰ ضمانت اجرایی داشته باشد و به عنوان نمونه، اگر تشخیص دادند که یک مدیر صلاحیت ندارد و باید جابه‌جا شود، یا فلان اتفاق در فلان منطقه بیفتد، این قدرت را داشته باشد و تصمیمش قابلیت اجرا داشته باشد.»

رئیس کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس اعلام کرد که بر اساس مصوبه این کمیسیون، کمیسیون اصل ۹۰ به دیوان یا سازمان اصل ۹۰ تبدیل می‌شود و تشخیص آن بر عهده هیات‌رئیسه مجلس است. همچنین پس از تصویب این طرح در صحن علنی مجلس، هیات‌رئیسه وظیفه دارد ظرف دو ماه سازوکار و تشکیلات آن را بنویسد و به کمیسیون آیین‌نامه داخلی اعلام کند. برخلاف نظر سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ که معتقد است در صورت دیوان شدن کمیسیون اصل ۹۰، امکان انتخاب آن از میان نمایندگان مجلس وجود ندارد، یوسفیان‌ملا بر نماینده بودن رئیس این دیوان تأکید دارد. او درباره علت تأکیدش چنین استدلال کرده است: «چون موضوع فعالیت کمیسیون اصل ۹۰ و نظارت از وظایف نمایندگی است، فردی خارج از مجلس صلاحیت و اجازه تصدی‌گری دیوان اصل ۹۰ را ندارد؛ بنابراین در صورتی که کمیسیون اصل ۹۰ به دیوان تبدیل شود، اعضای آن از نمایندگان مجلس خواهند بود. رئیس کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس با بیان اینکه در صورت تغییر کمیسیون به دیوان، علاوه بر تغییر نام، کارکردهایی نیز وسیع‌تر می‌شود، گفت: «در این صورت تصمیمات دیوان ضمانت اجرایی پیدا می‌کند، البته فعلاً مشخص نیست که تعداد اعضای آن، چه تغییری می‌کند و کمتر یا بیشتر می‌شود، ولی وظایف را فعلاً نوشته‌ایم. همچنین شیوه رسیدگی به شکایات ظرف دو ماه در هیات‌رئیسه مجلس نوشته می‌شود و این پیشنهاد به کمیسیون آیین‌نامه اعلام خواهد شد.»